نقل قول خبر | مهدی شبان؛ استاد حوزه

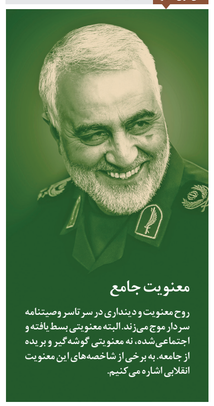

معنویت جامع

روح معنویت و دینداری در سر تاسر وصیتنامه سردار موج می‌زند. البته معنویتی بسط یافته و اجتماعی‌شده، نه معنویتی گوشه‌گیر و بریده از جامعه. به برخی از شاخصه‌های این معنویت انقلابی اشاره می‌کنیم.

معنویت در تمام ساحت‌های زندگی

معنویت سردار دل‌ها، معنویتی فراگیر و در تمام زندگی است. ارتباط او با خدا منحصر در سر سجاده و نماز نیست، بلکه او تمام لحظات زندگی‌اش را به‌دنبال خدا می‌گردد تا با او رابطه برقرار کند: «من به امیدی از این شهر به آن شهر و از این صحرا به آن صحرا در زمستان و تابستان می‌روم. کربه، حبیب، به کرمت دل بسته‌ام، تـو خود می‌دانی دوستت دارم.» (وصیتنامه سردار)

در تحلیل جنگ ۳۳روزه لبنان، به‌دست غیبی الهـی و معنویـت نهفتـه در صحنه‌های جنگ اشـاره می‌کند(مصاحبه با سـایت دفتر رهبری)، گویا در ضمن کار سخت نظامی در حال سلـوک الهی و کسب بهره معنوی است.

عشق بازی با خداوند متعال در ابتدای وصیتنامه به‌خوبی متبلور است. «خالق من، محبوب من، عشق من که پیوسته از تو خواستم سراسـر وجودم را مملو از عشق به‌خودت کنی؛ مرا در فـراق خود بسـوزان و بمیران.» (وصیتنامه سردار)

سـپس بنده‌گی‌ای است که سردار شهید می‌بیند و رهبری توضیح می‌دهد، اما بخشی از انقلابیون آرمان‌جویی‌اند که می‌پرسند: چگونه؟

نظامی که خیمه است

اولین و مهم‌تریـن دارایی این مـردم ایجاد و حفظ «نظام» اسـت؛ چرا؟ مگر نظام چقدر اهمیت دارد؟ سردار می‌گوید: «والله والله والله این خیمه اگر آسیب دید، بیت‌الله‌الحرام و مدینه حرم رسـول‌الله و نجف، کربلا، کاظمین، سامرا و مشهد باقی نمی‌ماند؛ قرآن اسـیب می‌بیند.» نظام غیـر از افراد اسـت، غیر از ساختارهای جزئی اسـت. غیر از سیسـتم بروکراتیک و دیوانسالاری اداری و دولتی اسـت. رهبری می‌گوید: «این نظام، نظام اسلامی اسـت؛ همه کسانی که به اسـلام اهتمام دارند، باید از این نظام دفاع کنند؛ چه بخواهند، چه نخواهند. چه از فلان کسی که در رأس نظام اسـت، خوشـش بیاید یا نیاید. چاره‌ای نیسـت؛ اگر این کسی که در رأس نظام اسـت، خوشـت نمی‌آید، دعا کن که خدا عوضش کند، ولی باید نظام مورد دفاع قرار بگیرد - از سوی هر کسی که به اسلام معتقد اسـت - تا این‌که پرچم اسلام است.» (۹۶/۴/۲۲)

نظامی که از همه مهم‌تر است

نظام از شخص رهبری مهم‌تر است. از شخص حضرت امام مهم‌تر اسـت. نظام از شخص امام زمان(عج) نیز مقدس‌تر اسـت. به قول حضرت امـام که می‌گوید: «خطط جمهوری اسـلامی از حفظ یک نفر ولو امام عصر(عج) باشد، اهمیتش بیشتر است. برای اینکه امام عصر هم خودش را فدا می‌کند برای اسلام.» (صحیفه امـام، ج ۱۵، ص ۳۶۵). نظام غیر از افراد اسـت؛ چه خوب باشند چه بد. نظام ساختار تصمیم‌گیری کلان یک جامعه توحیدی است که با رفت‌وآمد افراد تغییر نمی‌کند. رهبری می‌گوید: «یک آگاهی انقلابی، یک کمال سیاسی، در ملت ایران به توفیق الهی به‌وجود آمده است که می‌تواند تفکیک کند بین نظام انقلابی «امت و امامت» و بین تشکیلات دیوان‌سالاری، یا اینکه در یک جا انتقاد دارند، اما از اصل نظامی که به وسیله انقلاب به‌وجود آمده است، یا همه وجود دفاع کنند. اینکه می‌گوییم انتقاد داشته باشند، نه فقط انتقاد از دولت یا قوه قضاییه یا مجلس، نه، ممکن است کسی از شخص این حقیر هم انتقاد داشته باشد. این انتقاد هیچ منافاتی ندارد با ایستادگی پای نظام اسلامی، نظام انقلابی، نظام «امت و امامت» نظامی که با انقلاب این ملت و با فداکاری این ملت به‌وجود آمده است و صدها هزار شـهید در راه این نظام در طول این ۴۰ سال به قربانگاه رفته‌اند.» (۹۶/۱۱/۲۹)

و البته حسـاب کل مردم را از برخی از جریانات جدا می‌کند. در میان انقلابیون و آرمان‌جویان اما سـبک انتقادات به نظام اسـلامی می‌خـورد و او همواره از این نکته جوانان را برحذر داشـته اسـت: «نگذارید این مطالبه شـما و اعتراض شـما اعتراض به نظام اسلامی تلقی بشود؛ این مهم است؛ دشمن منتظر این است.» (۹۹/۲/۲۸)

چرا موفق نمی‌شوند نابودمان کنند؟

سؤال سـادەای وجود دارد و آن اینکه اگر نظام در حال از بین رفتن و اضمحلال اسـت، چرا کشورهای به ظاهر ابرقدرت این همه پـول خرج می‌کنند تا آن را سرنگون کنند؟ امروز همه قدرتمندان عالم می‌خواهند نظام اسلامی را از بین ببرند. سؤال مهم این اسـت که چرا موفق نمی‌شوند و چه چیزی نظام را حفظ کرده؟ این قدرتی که نظام اسلامی را حفظ کرده چیسـت که نتوانسـت نظام محمدرضاشاه را حفظ کند؟ او که همه قدرت‌های عالم بشـت سـرش بـود. اگر می‌گوییم مردم نظام را حفظ کرده‌اند، پس چه‌کسـی و چه قدرتی آن را حفظ کرده است؟

اسلام، پشتوانه ایران؛ ایران در خدمت اسلام

سـردار دشـمن‌شـکن می‌گفت: «بدانید کـه ما دنیا مهم‌تریـن هنر خمینی عزیز این بود که اول اسـلام را به پشتوانه ایران آورد و سپس ایران را در خدمت اسلام قرار داد.» او معتقد بود امام با اسلام در جان امت، انقلاب ایجاد کرد و بـا این ملت انقلاب کرده نظام اسلامی را شکل داد و آن را حفظ کرد. (کنگره شهدای گیلان) این یعنی روح انقلاب در جان امت زنده اسـت. رهبری در بیانیـه گام دوم می‌گوید: «انقلاب...در گام نخسـت، رژیم تنگین سـلطنت اسـتبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده ملی را که جامعه‌ به‌پیشرفت هم‌جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کـرد.» این ایران انقلابی اسـت کـه نظام را می‌سازد و مهم‌تر اینکه آن را حفظ می‌کند. «انقلاب اسلامی آرمان‌هایی دارد که روح و خمیرمایه آن را ساخته و نمی‌شود و میان جوشـش انقلابی و نظم سیاسـی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکـه از نظریه نظام انقلابی تا بـد دفاع می‌کند.» (بیانیه گام دوم)

پس نظام اسـلامی یعنی نظام انقلابی؛ نظامی که به قول امام «فلسـفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت اسـت.» (منشور روحانیت، ج ۲۱صحیفه) پس صورتی صورت دین اسـت و هویت و روح آن نیز انقلاب و تحول روحی است که از ملت ایران آغاز شده و در جان امت ریشه دوانده است. اگر در کارآمدی یک نظام اسلامی همین بک نکته را فقط می‌گفتیم که موفق است نظام را در جان مردم حفظ کند، سخن به گزافه نگفته‌ایم.

«از میان همه ملت‌های زیر سـتم، کمتر ملتی به انقلاب همت می‌گمارد و در میـان ملت‌هایی که به‌پاخاسـته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته باشـد کار را به نهایت رسانده و به‌جز تغییـر حکومتهـا، آرام نگیرد و اهداف مردم را تحقق نکرده باشـند، اما انقلاب بر شـکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی اسـت که یک جلـه پرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به‌نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده اسـت.» (بیانیه گام دوم) و این یعنی مردم با نظامشان انقلابشان را حفظ کرده‌اند.

حضوری که اصل است

حضور مردم در تشـییع جنازه شهید، همین نکته را ثابت کرد. حضور ۲۱میلیونـی آنها در ۲۲بهمن امسال نیز همین پیام را داشت. حضور خبرگـه کنندە و حماسـی‌شـان در ماجرای انتخابات مجلس و ریاست‌جمهوری در اوج فشارهای رسانه‌ای داخلی و خارجی و ناکارآمدی‌های دولت روحانی و خطاهای مختلف مسئولان و فراگیری جنبش کرونا و... همین نکته را ثابت می‌کرد. اصلی‌ترین عامل قدرت و اقتدار یک کشور همین نکته است. این نظام انقلابی حفظ شده است که می‌تواند در دهای کشـور را به مرور حل و فصل کند و کشور را به اوج قله‌های پیشرفت سوق دهد.

دیدگاه | حجت‌الاسلام حبیب‌الله بابایی؛ استاد حوزه

قواره امتی شهید سلیمانی

تمدن، بزرگ‌تر بـه... کلان‌تر و فراخ‌تر به نظام مناسبات انسانی است. به تبع آن، نگاه تمدنی هم نگاه کلان‌نگری است. یک پدیده تمدنی گره می‌خورد به زمان و زمین و انسان. از چین تا اندلس با تمام تفاوت‌های فرهنگی چه چیزی این پهنه از زمین را تبدیل به یک تمدن اسـلامی کرد؟ این جواب این سؤال است. این بزرگی و کلان‌بودن قرآن کریم است که ۱۴۰۰سال پیش تا آن زمان و در چنین پهنه‌ای از کره زمین توانست تمدنی اسلامی را ایجاد کند. اگر تمدن را در میان انسـان و طبیعت جست‌وجو کنید، شـاخص‌های ما می‌شود انسان و طبیعت.

سفر به اعماق یک تمدن

یک بار هم تمدن را می‌توان در میان انسان‌ها جست‌وجو کرد که آیا مناسباتشان انسانی است یا نه؟ مثلاً در آمریکا ممکن است یک نظام بورکراسـی قوی یا تکنولوژی قوی را ببینیم، اما در مورد مناسبات انسانی به مسـئله‌های زیادی همچون کرامت انسانی برخورد می‌کنیم.

ما اگر می‌خواهیم عمق کار تمدنی پیغمبر اسلام(ص) را ببینیم باید به عمق زمان برویم، اگر می‌خواهیم کار تمدنی امیرالمؤمنین(ع) را ببینیم، نباید در کوفه بمانیم، باید در دل تاریخ بگردیم تا ببینیم حتی در تنهایی خودش هم موج تمدنی تـا انتهای زمان ایجاد می‌کند. در مورد امام خمینی رحمت الله‌علیه باید سؤال کنیم که ایشان انقلاب در چه کرد و تغییر در چه چیزی ایجاد کرد؟ تغییر او در انسان و زندگی انسان بود. امام می‌گوید که استقلال و آزادی کافی نیست، همگی باید به سمت کمال برویم؛ انسان درست شود، همه‌چیز درست شده است!

تمدنی که ناقص بود

در زمان پهلوی هم حرف از تمدن زده می‌شد، اما مراد از تمدن، مدرنیته و انسان مادی بود. تمدن به‌معنای تجدد منهای دین بود. امام منکر بر انسان بود. مقام معظم رهبری هم همین گونه‌اند. می‌فرمودند که تربیت انسان‌های صالح و ایجاد ده‌های آسوده از هر نصفه تفاقل»، «به‌درستی که نبیی از فقرات عاقل تحمل و نبیی از فقرات نادیده گرفتن است.» یا می‌فرمایند: «شرّ اخلاق الکریم تفاقله عمّا یعلم»، «برترین اخلاق انسان بزرگوار، نادیده گرفتن آن چیزی است که می‌داند.» امری که در شهید حاج قاسم سلیمانی به وضوح ملاحظه می‌کردید و مایرای ادامه انقلاب اسلامی نیاز داریم این روحیه در جامعه، زنده و روان باشد؛ همان لوکس بودن‌هایی که الهائوس، آن‌های گل اود، در بر می‌گیرد و اودگ‌های آنها را فرومی‌گذارد و آب را در آغوش می‌گیرد.

عمق تمدنی انقلاب

عمق تمدنی انقلاب در تغییـرات بنیادین ارزش‌ها و مفاهیم سیاسی است؛ مثل مسئله عدالت. امروز اما عدالت‌خواهان ما فهم عدالتی از موضوع موشک‌های غزه ندارند که جطور دارد عدالت را در منطقه ایجاد می‌کند. موشک‌های ایران در عین‌حال دارد عدالت بین‌المللی را رقم می‌زند. عمق تمدنی یک جامعه را باید در باطن جست‌وجو کرد که در ترتیب و ظهور آشکاری همچون شهید سلیمانی است؛ «شخصیت‌هایی که می‌توان آنها را «انسان امت» نامید.

مقدمات انسان امت شدن

برای انسان امت شدن (همسلو با ایده بدنظر داشت: مسئله اول، خلوص انسان است. انسان هر مقدار خدایی می‌شـود در قامت خود خدا اثرگذاری می‌کند. هر مقدار دنبال حرکت بزرگ باشد، باید وصل به بزرگ باشد تا حرکت کلان ایجاد کند.

مسئله دوم، عزت انسان است. ما در ادبیات مدرن بیشتر به‌دنبال کرامت انسان رفته‌ایم و کمتر در مورد عزت انسان بحث کرده‌ایم. با شیان‌های مدرن وقتی سراغ «ان‌الله» و لله و لرسوله و للمومنین جمعه؟ «و لو هم جبری نمی‌فهمید و باید فقط سراغ «ولقد کرمنا بنی آدم» برویم. در حالی که کرامت انسـانی ارزش‌های زائی انسان را بیان می‌کند و عزت انسانی جایگاه انسانی را و ما باید علاوه بر کرامت انسان، عزت انسان را نمایان کنیم.

مسئله سوم، امید است. هر مقدار در دنیا این شرایط بیشتر این امید را داشت، بیشتر این اثرگذاری را دارد. اعجاز قرآن در این است که در بدترین شرایط بیشترین اثرگذاری را دارد. «بیخرج الحی من المیت» اعجاز است. در جامعه ما امروز ناامیدی کلاکی لوکس روشنفکری است و شما اصلاحی نمی‌توانید از امید حرف بزنید. امید غیر واقع‌بینانه پوچ‌تر از ناامیدی واقع‌بینانه است. در سال‌های ما ناامیدی خاکم است و این از مسائل فلورانس جامعه ماست. آنچه را که مایه ضعف ماست، از غرب می‌گیریم و آنچه را که مایه قوت ماست، رها می‌کنیم.

مسئله چهارم، بحث نظر و نیاز است. انسان امت مسئله راهبردی جهان اسلام را درک می‌کند و برایش در مقام نظر و سیاستگذاری فکر می‌کند و برنامه دارد. مسـئله پنجم، سرعت و حرکت است. «الجهاد باب فتح‌الله لخاصـه اولیائه». هر کس منطقه شهادت را در خود پرورش ندهد، ضرر کرده است؛ چون بالاخره مرگ می‌آید، انسان باید این آخرین تیر را هم برای خدا رها کند.

بهترین شیوه رسـیدن به خدا همین است و اگر این منطق را انسان داشته باشد به وجه‌الله نایل خواهد آمد و شاهد می‌شود.

به مناسبت سالروز تولد حاج قاسم

اندیشه‌های پشت یک وصیتنامه

بررسی مبانی معرفتی و نظری وصیتنامه حاج‌قاسم سلیمانی

- حالا که نزدیک به سالروز میلاد این سردار بزرگ ملی و مذهبی کشورمان هستیم، بهانه‌ای دست داد تا مروری داشته باشیم بر وصیتنامه پر از نکته‌اش؛ متنی که با شهادت به وحدانیت و رسالت و امامت پیامبر و خاندانش شروع شده و با طلب بخشش از همراهان و اطرافیان و... پایان یافته است

عصاره نگاه و نگرش هر انسـانی را در آخرین کلام‌ها و گفته‌هایش می‌شود مشـاهده کرد. بی‌دلیل نیست که وقتی می‌خواهند از نگاه حضرت امیر علیه‌السـلام آگاه‌تر شـوند، وصیت او به فرزند ارشـدش را مرور می‌کنند؛ چراکه در آخرین کلام‌ها، حکمتی است که در کلام‌های دیگر کمتر مشاهده می‌شود یا پنهان است؛ به همین دلیل است که وصیتنامه سرباز وطن، حاج‌قاسم سـلیمانی، یکی از پهن‌ترین و چه بسا بهترین متن برای شناخت او باشد؛ چراکه آخرین گفته‌ها و سخنان او در آن تبلور یافته اسـت. حالا که نزدیک به سالروز میلاد این سـردار بزرگ ملی و مذهبی کشورمان هستیم، بهانه‌ای دست داد تا مروری داشته باشیم بر وصیتنامه پر از نکته‌اش؛ متنی که با شهادت به وحدانیت و رسالت و امامت پیامبر و خاندانش شروع شده و با طلب بخشش از همراهان و اطرافیان و... پایان یافته است. حاج‌قاسم در وصیتنامه‌اش اشاره می‌کند که به چه میزان دست‌هایش خالی و کوله‌پشتی سـفر بی‌نهایتش خالی است و جز امید به لطف خدا پشتوانه و امیدی ندارد؛ وصیتنامه‌ای که مناجات گون دنبال شده و سرانجام به توصیه‌هایی خطاب به برادران و خواهران مجاهد وصل می‌شـود. در ادامه نیز توصیه‌هایی را به سیاسیون، خانواده‌های شـهدا و علما و... مطرح می‌کند که همه اینها، مانند فانوسی در شب‌های تاریک، راهگشا و دستگیر هستند. همه اینها خلاصه‌ای بود از اصولی که در این وصیتنامه ظهور و بروز یافته اسـت؛ اصولی کـه مغز آنها چنین است: «...عنایت کنید: جمهوری اسلامی، مرکز اسلام و تشیع اسـت؛ امروز قرار گاه حسـین‌بن‌علی، ایران است. بدانید جمهوری اسـلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرم‌ها می‌مانند. اگر دشـمن، این حرم را از بین برد، حرمی باقـی نمی‌ماند، نه حرم ابراهیمی و نه حرم محمدی(ص).» حالا که بهانه‌ای دسـت داده اسـت، در این ۲ صفحه به تفسـیرها و نکته‌هایی که مرتبط با وصیتنامه حاج‌قاسم هسـتند، می‌پردازیم؛ نکاتی که شـخصیت‌های مختلف مطـرح کرده‌اند و هرکدام، گوشه‌ای از این متن گرانقدر را کاویده و روشن کرده است.

چرا در قله‌ایم؟

آیا حاج قاسم درباره سربلندترین دوره جمهوری اسلامی غلو می‌کرد؟

حاج قاسم سلیمانی در وصیتنامه خود می‌گوید: «جمهوری اسلامی، امروز سـربلندترین دوره خود را طی می‌کند.» آیا باغلو می‌کرد و آیا حرف بی‌دلیل می‌زد؟ استدلال او چه بود؟

توجه باید کرد که وصیتنامه او در اوج مشـکلات معیشتی مردم در اواخر دولت روحانی منتشر شد. معنای این جمله چیست؟ شبیه این جمله قبلا در «بیانیه گام دوم» که یک متن راهبردی و فوق‌العاده‌ای بود و متأسفانه در زمان خود برخی از انقلابیون و آرمان‌جویان آن را جـدی نگرفتند نیز به صدای بلند تبیین می‌شد. رهبری در متن بیانیه گام دوم می‌گوید: «آنچه می‌گوییم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است.»

سـپس بنده‌گی‌ای است که سردار شهید می‌بیند و رهبری توضیح می‌دهد، اما بخشی از انقلابیون آرمان‌جویی‌اند که می‌پرسند: چگونه؟

نظامی که خیمه است

اولین و مهم‌تریـن دارایی این مـردم ایجاد و حفظ «نظام» اسـت؛ چرا؟ مگر نظام چقدر اهمیت دارد؟ سردار می‌گوید: «والله والله والله این خیمه اگر آسیب دید، بیت‌الله‌الحرام و مدینه حرم رسـول‌الله و نجف، کربلا، کاظمین، سامرا و مشهد باقی نمی‌ماند؛ قرآن اسـیب می‌بیند.» نظام غیـر از افراد اسـت، غیر از ساختارهای جزئی اسـت. غیر از سیسـتم بروکراتیک و دیوانسالاری اداری و دولتی اسـت. رهبری می‌گوید: «این نظام، نظام اسلامی اسـت؛ همه کسانی که به اسـلام اهتمام دارند، باید از این نظام دفاع کنند؛ چه بخواهند، چه نخواهند. چه از فلان کسی که در رأس نظام اسـت، خوشـش بیاید یا نیاید. چاره‌ای نیسـت؛ اگر این کسی که در رأس نظام اسـت، خوشـت نمی‌آید، دعا کن که خدا عوضش کند، ولی باید نظام مورد دفاع قرار بگیرد - از سوی هر کسی که به اسلام معتقد اسـت - تا این‌که پرچم اسلام است.» (۹۶/۴/۲۲)

نظامی که از همه مهم‌تر است

نظام از شخص رهبری مهم‌تر اسـت. از شخص حضرت امام مهم‌تر اسـت. نظام از شخص امام زمان(عج) نیز مقدس‌تر اسـت. به قول حضرت امـام که می‌گوید: «خطط جمهوری اسـلامی از حفظ یک نفر ولو امام عصر(عج) باشد، اهمیتش بیشتر است. برای اینکه امام عصر هم خودش را فدا می‌کند برای اسلام.» (صحیفه امـام، ج ۱۵، ص ۳۶۵). نظام غیر از افراد اسـت؛ چه خوب باشند چه بد. نظام ساختار تصمیم‌گیری کلان یک جامعه توحیدی است که با رفت‌وآمد افراد تغییر نمی‌کند. رهبری می‌گوید: «یک آگاهی انقلابی، یک کمال سیاسی، در ملت ایران به توفیق الهی به‌وجود آمده است که می‌تواند تفکیک کند بین نظام انقلابی «امت و امامت» و بین تشکیلات دیوان‌سالاری، یا اینکه در یک جا انتقاد دارند، اما از اصل نظامی که به وسیله انقلاب به‌وجود آمده است، یا همه وجود دفاع کنند. اینکه می‌گوییم انتقاد داشته باشند، نه فقط انتقاد از دولت یا قوه قضاییه یا مجلس، نه، ممکن است کسی از شخص این حقیر هم انتقاد داشته باشد. این انتقاد هیچ منافاتی ندارد با ایستادگی پای نظام اسلامی، نظام انقلابی، نظام «امت و امامت» نظامی که با انقلاب این ملت و با فداکاری این ملت به‌وجود آمده است و صدها هزار شـهید در راه این نظام در طول این ۴۰ سال به قربانگاه رفته‌اند.» (۹۶/۱۱/۲۹)

و البته حسـاب کل مردم را از برخی از جریانات جدا می‌کند. در میان انقلابیون و آرمان‌جویان اما سـبک انتقادات به نظام اسـلامی می‌خـورد و او همواره از این نکته جوانان را برحذر داشـته اسـت: «نگذارید این مطالبه شـما و اعتراض شـما اعتراض به نظام اسلامی تلقی بشود؛ این مهم است؛ دشمن منتظر این است.» (۹۹/۲/۲۸)

چرا موفق نمی‌شوند نابودمان کنند؟

سؤال سـادەای وجود دارد و آن اینکه اگر نظام در حال از بین رفتن و اضمحلال اسـت، چرا کشورهای به ظاهر ابرقدرت این همه پـول خرج می‌کنند تا آن را سرنگون کنند؟ امروز همه قدرتمندان عالم می‌خواهند نظام اسلامی را از بین ببرند. سؤال مهم این اسـت که چرا موفق نمی‌شوند و چه چیزی نظام را حفظ کرده؟ این قدرتی که نظام اسلامی را حفظ کرده چیسـت که نتوانسـت نظام محمدرضاشاه را حفظ کند؟ او که همه قدرت‌های عالم بشـت سـرش بـود. اگر می‌گوییم مردم نظام را حفظ کرده‌اند، پس چه‌کسـی و چه قدرتی آن را حفظ کرده است؟

اسلام، پشتوانه ایران؛ ایران در خدمت اسلام

سـردار دشـمن‌شـکن می‌گفت: «بدانید کـه ما دنیا مهم‌تریـن هنر خمینی عزیز این بود که اول اسـلام را به پشتوانه ایران آورد و سپس ایران را در خدمت اسلام قرار داد.» او معتقد بود امام با اسلام در جان امت، انقلاب ایجاد کرد و بـا این ملت انقلاب کرده نظام اسلامی را شکل داد و آن را حفظ کرد. (کنگره شهدای گیلان) این یعنی روح انقلاب در جان امت زنده اسـت. رهبری در بیانیـه گام دوم می‌گوید: «انقلاب...در گام نخسـت، رژیم تنگین سـلطنت اسـتبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده ملی را که جامعه‌ به‌پیشرفت هم‌جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کـرد.» این ایران انقلابی اسـت کـه نظام را می‌سازد و مهم‌تر اینکه آن را حفظ می‌کند. «انقلاب اسلامی آرمان‌هایی دارد که روح و خمیرمایه آن را ساخته و نمی‌شود و میان جوشـش انقلابی و نظم سیاسـی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکـه از نظریه نظام انقلابی تا بـد دفاع می‌کند.» (بیانیه گام دوم)

پس نظام اسـلامی یعنی نظام انقلابی؛ نظامی که به قول امام «فلسـفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت اسـت.» (منشور روحانیت، ج ۲۱صحیفه) پس صورتی صورت دین اسـت و هویت و روح آن نیز انقلاب و تحول روحی است که از ملت ایران آغاز شده و در جان امت ریشه دوانده است. اگر در کارآمدی یک نظام اسلامی همین بک نکته را فقط می‌گفتیم که موفق است نظام را در جان مردم حفظ کند، سخن به گزاف نگفته‌ایم.

«از میان همه ملت‌های زیر سـتم، کمتر ملتی به انقلاب همت می‌گمارد و در میـان ملت‌هایی که به‌پاخاسـته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته باشـد کار را به نهایت رسانده و به‌جز تغییـر حکومتهـا، آرام نگیرد و اهداف مردم را تحقق نکرده باشـند، اما انقلاب بر شـکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی اسـت که یک جلـه پرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به‌نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده اسـت.» (بیانیه گام دوم) و این یعنی مردم با نظامشان انقلابشان را حفظ کرده‌اند.

حضوری که اصل است

حضور مردم در تشـییع جنازه شهید، همین نکته را ثابت کرد. حضور ۲۱میلیونـی آنها در ۲۲بهمن امسال نیز همین پیام را داشت. حضور خبرگـه کنندە و حماسـی‌شـان در ماجرای انتخابات مجلس و ریاست‌جمهوری در اوج فشارهای رسانه‌ای داخلی و خارجی و ناکارآمدی‌های دولت روحانی و خطاهای مختلف مسئولان و فراگیری جنبش کرونا و... همین نکته را ثابت می‌کرد. اصلی‌ترین عامل قدرت و اقتدار یک کشور همین نکته است. این نظام انقلابی حفظ شده است که می‌تواند در دهای کشـور را به مرور حل و فصل کند و کشور را به اوج قله‌های پیشرفت سوق دهد.

شهادتی که هنر است، عرفان است

نگاهی به جهاد در منظومه فکری حاج قاسم سلیمانی

حجت‌الاسـلام علی امینی‌نژاد: در اغلب عرفان‌ها مثل رهبانیت مسیحی، عرفان‌های شـرقی و عرفان هندی مسئله‌ای به‌عنوان جهاد و شهادت مطرح نیسـت. یکی از مؤلفه‌های عرفان بودایی این اسـت که برای رهایی از رنج‌ها و دردها، انسان باید از صحنه اجتماع بریده شود و اندیشه‌هایی که در این عرفان القا می‌شود، دسـتورالعمل‌هایی که داده می‌شـود و مراتب سلوکی که مطرح می‌شود در راسـتایی است که انسـان هیچ رنجی نبیند؛ یعنی دستیابی به لذت‌های آن‌سـویی یا حداقل رنج‌ها را تحمل می‌کند و نگاه به جلوه‌های جمال حضرت حق را ببیند و آن بهجت‌ها و لذت‌های معنوی و دست بدهد. این ویژگی ممتاز عرفان اسلامی است. علت آن هم این است که خاستگاه عرفان اسلامی از بستر دین خنمی و اسلام برخاسته است؛ لذا نمی‌تواند نسبت به جهاد، شهادت، قتال و درد بی‌تفاوت باشد.

از منظر عرفان برای کسـانی که می‌خواهند «صراط ولی» سلوک الی‌الله را بپیمایند، در میان وسایل سفر الی‌الله بهترین وسیله، جهاد است. بهترین وسـیله برای عبور از خود، جهاد در میدان مبارزه و... اسـت که انسان در بستر جهاد راحت‌تر می‌تواند از شهوات، مطامع نفسانی، دنیا و زرق و برق‌های آن عبور کند.

در ادامه سیر و سلوک سالک در سفر سوم و چهارم، باز این جهاد حضور صورت دیگری پیدا می‌کند. کسی که در سفر اول به معرکه جهاد می‌رود، برای خودسازی و رسیدن به خداست، ولی در سفر سوم و چهارم از نفس خودش گذر می‌کند و به مراحل فنای فی‌الله می‌رسد. در مقام عظای دیده کثرتین پیدا می‌کند و مثل یک انسان کامل، وحدانیت را در کثرات می‌بیند و در همه‌چیز و همه‌کس، خدا را می‌بیند و در همه‌چیز و همه‌کس، خدا را می‌یابد. در این مرحله، جهاد و شهادت برای او معنای دیگری پیدا می‌کند. در این مرحله، جهاد و شهادت، عرفان است.

نگاه الهی و حقانی با دشمنان خدا و دین خدا می‌جنگد، «خلیفه بالسیف» برای بسط توحید الهی در جامعه می‌شود، جان خودش مملو از توحید شده است و حالا می‌خواهد به همه جا سرریز کند؛ لذا عرفا می‌فرمایند: «سر جهاد در عرفان بسط ذکر الهی است.» ما حین انقلاب و بعد از انقلاب شهدای عظیمی داشتیم که یک نمونه آن شهید چمران است. حالات و جملات ایشان، انسان را متوجه این معنا می‌کند که مبارزه و ورود او به جهاد اصلا متوقف نبود، بلکه برای ادامه سیر و سلوک در سفر سوم و چهارم، باز این جهاد و شهادت‌طلبی دیده کثرتین پیدا می‌کند و مثل یک انسان کامل، وحدانیت را در کثرات می‌بیند و در همه‌چیز و همه‌کس، خدا را می‌یابد. در این مرحله، جهاد و شهادت برای او معنای دیگری پیدا می‌کند.

اسرار مرد اسرار آمیز

چطور استکبار ستیزی و تساهل در وجود یک نفر جمع آمده بود

اصغر طاهرزاده: اعتقاد به جمهوری اسلامی و به شخصیت حکیمانه مقام معظم رهبـری و مردم، جهت بـه ظهور آمدن ظرفیت‌های تاریخی انقلاب اسلامی، یکی از هنرهای شهید حاج قاسم سلیمانی بود؛ زیرا او می‌دانست تنها در این مسیر است که جوهره انسان تغییر می‌کند و در این فضاست که رسول اکرم «ص» می‌فرمایند: «بُعِثتُ بالحَنیفیه السَّمحَه السَّهلَه» (الوافی، ملا محسن فیض کاشانی، ج ۶، ص: ۷۲۱) «من به آیین اسـتوار و بدون انحـراف و راحت و آسان مبعوث شده‌ام» و مرحوم شـهید مطهری نیز در این رابطه می‌فرماید: «انچه باعث شد اسلام به‌عنوان تمدن اسلامی در دنیا تحقق یابد، روحیه تساهل و مدارایی بود که مسلمین نسبت به سایر مذاهب و افکار داشـتند.» (خدمات متقابل اسلام و ایران، شهید مرتضی مطهری، ص ۱۳۴) آری اسرار آمیزی حاج قاسم در جمع، استکبارستیزی او از یک طرف و تساهل و عدم‌تحقیر دیگران از طرف دیگر بود؛ افرادی که اهل عناد نبودند. آیا در این رابطه نباید به مکتب حاج قاسم فکر کرد؟

شهید حاج قاسم سلیمانی، انسانی بود که ملاحظه کردید در تمام زندگی‌اش، وجه الهی انسـان‌ها را، حتی از قبیله و دسته‌بندی‌ها می‌بیند؛ زیرا متوجه است در فرهنگ شهادت که با انقلاب اسلامی پیش آمده، وجدان تاریخ توحیدی انسان‌ها زنده شده و بر این اساس وجه الهام بخشی توقای آنها به حکم «فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا» بیدار شـده است. او به خوبی متوجه وجه تقوایی انسان‌ها شده بود و از این جهت انسـان‌ها هم با وجه تقوایی خود نظر به وجه تقوایی حاج قاسم داشتند؛ لذا از کودکان گرفته تا بزرگسالان، همگی نسبت به او احساس عالیقی می‌کردند و در مواجهه با او به‌خود می‌آمدند.

اتفاقات اخیر نشان داد انقلاب اسلامی اقیانوسی است که حتی اگر رودهای گل‌آلود بهسوی آن بیایند، آنها را در برمی‌گیرد و گل‌های آنها را فرومی‌نشاند و آب آنها را از آن خود می‌کند؛ امری که ملاحظه کردید چگونه همان خاصی که حجابش ضعیف است، وقتی دشمن دعوت به بی‌حجابی اش کرد، توجه نکرد و معلوم شد تعداد فراوانی از این افراد برای دشمن نیستند. حاج قاسم این را به‌خوبی فهمیده بود؛ زیرا همانطور که عرض شد بنا داشت با انسانیت انسان‌ها رابطه برقرار کند تا آنها متوجه معنای متعالی خود شوند. یکی از نکاتی که در دستورات دینی بدان تأکید شده، «تفاضی» و «مدارا» است نسبت به اعمال انسـان‌ها، به‌خصوص اتفاضی نسـبت به اعمال مؤمنین؛ زیرا اراده اصلی انسـان‌ها، اراده بهسـوی حق است و در همین فضا بحث «تفاقل» یا نادیده‌گرفتن ضعف‌های افراد به میان می‌آید. از حضرت علی(ع) داریم که «إنّ أفاقل نصفُهُ اختیالٌ و نصفُهُ تغافُلٌ»، «به‌درستی که نیمی از رفتار عاقل تحمل و نیمی از رفتارْ نادیده گرفتن است.» یا می‌فرمایند: «شرّ اخلاق الکریم تغافله عمّا یعلم»، «برترین اخلاق انسان بزرگوار، نادیده گرفتن آن چیزی است که می‌داند.» امری که در شهید حاج قاسم سلیمانی به وضوح ملاحظه می‌کردید و مایرای ادامه انقلاب اسلامی نیاز داریم این روحیه در جامعه، زنده و روان باشد؛ همان لوکس بودن‌هایی که الهائوس، آن‌های گل اود، در بر می‌گیرد و اودگ‌های آنها را فرومی‌گذارد